

تحول تروریسم در روابط بین الملل

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۶/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۷/۴

فرزاد پورسعید*

چکیده

تروریسم از جمله مفاهیم مناقشه برانگیز به هنگام تعریف و مطالعه علمی است و مطالعه آن در چارچوب بین رشته‌ای قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، برای فهم و بررسی آن می‌بایست رویکرد بین رشته‌ای را استخدام کرد و آن را از دریچه علوم سیاسی، روابط بین الملل، حقوق بین الملل، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مانند آن نگریست. مقاله حاضر به چستی و چگونگی تحول این مفهوم در روابط بین الملل می‌پردازد و برای این منظور، تحول عملی آن را در مناسبات بین المللی از قرن نوزدهم تا قرن حاضر بررسی می‌کند. این بررسی با هشت معیار انگیزه، الگوی تحلیل، سازمان‌دهی، استراتژی، تاکتیک، اهداف، سلاح مورد استفاده و قربانیان صورت می‌گیرد و در نهایت، نویسنده را به این فرضیه رهنمون می‌سازد که مفهوم تروریسم در مرحله متأخر آن و در گذار به قرن بیست و یکم، از تروریسم بین المللی به تروریسم جهانی متحول شده و عامل این تحول، غیرسرزمینی شدن آن در روابط بین الملل است.

کلیدواژه‌ها: تروریسم بین المللی، جهانی شدن، غیرسرزمینی شدن، تروریسم نوین، تروریسم جهانی

* کارشناس ارشد علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبائی، محقق گروه مطالعات ایران و عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی.

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال دوازدهم • شماره چهارم • زمستان ۱۳۸۸ • شماره مسلسل ۴۶

مقدمه

تحول مفاهیم از جمله عوامل پیشرفت علمی، به ویژه در علوم اجتماعی به مفهوم کلان آن است و روابط بین‌المللی نیز چنانکه مورگنتا می‌گفت عبارت است از کل پدیده‌های اجتماعی که از مرزهای ملی فراتر می‌رود. یکی از این مفاهیم یا پدیده‌ها، «تروریسم» است که سابقه بین‌المللی شدن آن به دهه ۱۸۸۰م بازمی‌گردد. در عین حال، تروریسم همچون رئالیسم یا ایده‌آلیسم، مکتب نظری و چون فاشیسم و کمونیسم، مرام عقیدتی نیست، بلکه نوعی استراتژی یا ابزار تاکتیکی برای حمله و تهدید به شمار می‌رود. از این رو، می‌بایست در تبیین تحول آن رویکردی عمل‌گرایانه‌تر استخدام کرد و به تحول عملی آن در روابط بین‌المللی پرداخت. به بیان دیگر، درک تحول مفهومی آن از خلال فهم تحول واقعیت تروریسم یا تروریسم به مثابه امر واقع ممکن می‌شود. بر این اساس، مقاله حاضر به تحلیل تحول تروریسم در روابط بین‌الملل می‌پردازد و برای این منظور، تحول تاریخی تروریسم از قرن نوزدهم تا قرن حاضر را بازخوانی می‌کند. مطابق فرضیه این مقاله، تروریسم در گذار از قرن بیستم به قرن بیست‌ویکم، در روابط بین‌الملل، از تروریسم بین‌المللی به تروریسم جهانی تحول یافته و عامل این تحول، غیرسرزمینی شدن تروریسم در روابط بین‌الملل است.

الف. تروریسم و مسأله تعریف آن

واژه ترور از ریشه لاتین ترس^۱ به معنای ترساندن و وحشت است و در عربی معاصر از لغت ارباب برای معادل آن استفاده می‌شود. برای نخستین بار، در سال ۱۰۵ قبل از میلاد، در امپراتوری روم، وضعیت ترور کیمبریکوس^۲ اعلام شد که به منزله نوعی وضعیت اضطراری همراه با وحشت در واکنش به حملات قوم کیمبری بود. کیمبری‌ها از اقوام سلتی یا آلمانی بودند که همراه با توتن‌ها و آمبروس‌ها، روم را در اواخر قرن دوم پیش از میلاد تهدید کردند. در سپتامبر ۱۷۹۳ نیز مجمع ملی فرانسه، رسماً اعلام نمود «نظم کنونی، نظم مبتنی بر ترور است.» انقلابیون تندروی فرانسوی یا ژاکوبین‌های دست راستی، واژه «ترور» را با برداشتی مثبت برای توضیح نحوه برخورد خود با مخالفان به کار می‌بردند. در آن زمان، منظور از دوره

1 . Ters

2 . Terror Cimbricus

ترور^۱ یا وحشت، فرازی از انقلاب فرانسه بود که تقریباً از مارس ۱۷۹۳ تا ژوئیه ۱۷۹۴ را دربرمی‌گرفت. در این دوره، کمیته ایمنی عمومی^۲ تحت ریاست روبسپیر، بیش از بیست هزار نفر، از جمله تعداد فراوانی روحانی مسیحی و هوادار سلطنت خودکامه را در سراسر فرانسه با گیوتین به قتل رساند. پس از این دوره و به ویژه پس از فاجعه نهم ترمیدور^۳، واژه ترور، بار منفی یافت و به صورت ناسزایی درآمد که حکایت از نوعی عمل بزهکارانه داشت. پس از آن «تروریسم» برای نخستین بار در فرهنگ‌های لغات انگلیسی‌زبان در سال ۱۷۹۸ درج شد و در مقابل آن چنین آورده شده بود: «استفاده سیستماتیک از ترور به منزله نوعی سیاست»^۴. (۱)

در عین حال، تعریف تروریسم در مطالعات تروریسم^۵، همواره نوعی مسأله یا معضل بوده است. در این مطالعات، در مجموع، از سه نوع مسأله یعنی مسأله تعریف، مسأله انگیزه و مسأله واکنش یاد می‌شود. (۲)

مسأله تعریف به دغدغه فهم شرایط موجود کنش تروریستی بازمی‌گردد که قاعدتاً از خلال درک پیشینه آن به دست می‌آید. این دغدغه هنوز هم پابرجاست و «تروریسم» یکی از مناقشه برانگیزترین واژه‌ها در مقام تعریف علمی است.

والتر لاکوئر^۶ معتقد است تعریف جامع از تروریسم وجود ندارد و در آینده نزدیک هم به دست نخواهد آمد. جفری سیمون^۷، پس از جمع‌آوری تعاریف مختلف، اعلام نمود حداقل ۲۱۲ تعریف مختلف از تروریسم وجود دارد که در سراسر جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این تعداد، ۹۰ مورد آن از سوی حکومت‌ها و دیگر نهادها به کار گرفته می‌شود. (۳)

در چارچوب این مقاله و متناسب با مطالب آن، به نظر می‌رسد مناسب‌ترین تعریف، تعریفی است که در طرح یا پیش‌نویسی که انتشارات دانشگاه کلمبیا در سال ۲۰۰۴ در باب مفهوم تروریسم منتشر نمود، آمده بود. مطابق این تعریف، تروریسم عبارت است از:

1 . regime de la terreur
2 . The Committee of Public Safety
3 . 9th of Thermidor
4 . policy
5 . Terrorism Studies
6 . Walter Laqueur
7 . Jeffrey Simon

«استفاده غیرقانونی یا بهره‌گیری تهدیدآمیز از نیرو یا خشونت فردی و یا گروهی سازمان‌یافته علیه مردم یا دارایی آنها به قصد ترساندن^۱ یا مجبورکردن جوامع و حکومت‌ها، اغلب به دلایل ایدئولوژیک یا سیاسی. بنابراین، تروریسم عبارت است از تهدید به یا استفاده از خشونت اغلب بر ضد شهروندان برای دستیابی به اهداف سیاسی برای ترساندن مخالفان یا ایجاد ناراضی عمومی» (۴).

در این چارچوب، تروریسم شامل فعالیت‌هایی چون آدم‌کشی^۲، بمب‌گذاری، کشتار بی‌هدف^۳، هواپیمارمایی و آدم‌ربایی می‌شود. از این تعریف چند نکته آشکار می‌شود که می‌تواند ما را در حصول به تعریف عملیاتی از مفهوم تروریسم یاری کند.

اول آنکه، انگیزه یا محرک اغلب جریان‌ها و کنش‌های تروریستی، دستیابی به اهداف سیاسی یا بعضاً ایدئولوژیک و مذهبی است. یعنی تروریست‌ها خواستار تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری‌ها هستند. در بسیاری موارد، انگیزه اصلی آنها توجه‌دادن قدرت‌های سیاسی یا دولت‌ها به ناعدالتی‌های موجود است. از این‌رو، گروه‌های تروریستی غالباً مسئولیت اقدامات خود را به عهده می‌گیرند. این ویژگی موجب تمایز تروریسم از اقدامات نظامی و جنگ‌های چریکی^۴ و همچنین اقدامات جنایی صرف و جنایات سازمان‌یافته می‌شود.

دوم آنکه، هدف اصلی کنش تروریستی، ارعاب سوژه مورد نظر است نه لزوماً حذف فیزیکی. مطابق این ویژگی، تروریسم به مثابه جریان از عمل ترور یا قتل غافل‌گیرانه تمیز داده می‌شود. به بیان دیگر، در تروریسم، قتل یا وحشت‌آفرینی لزوماً معطوف به مقتول یا جمعیت مورد تعدی نیست، بلکه گروه تروریستی در پی آن است تا با تعرض و تعدی به جمع یا هدفی کوچک، جمعیت و جامعه بزرگتری را با هراس مواجه کند تا به اهداف خود دست یابد.

1 . intimidation
2 . Assassination
3 . Random killings
4 . Guerrilla Warfare

در نهایت، هدف اصلی کنش تروریستی یعنی ارعاب، موجب می‌شود هر رویداد تروریستی سه طرف یا بازیگر درگیر داشته باشد که عبارتند از گروه تروریستی، قربانیان و طرف سوم یا اکثریت جامعه که هدف غالباً ترساندن یا جلب حمایت آن است.

ب. تروریسم بین‌المللی

واژه «تروریسم بین‌المللی»^۱، عمدتاً از دهه ۱۹۷۰ به این سو مورد استفاده قرار گرفته و مطابق تعاریف موجود، شامل اقدامات خشونت‌آمیزی می‌شود که توسط گروه‌های سیاسی در خارج از مرزهای متبوع آنان صورت می‌گیرد. توماس جی. بدی، در مقاله‌ای با عنوان «تعریف تروریسم بین‌المللی»، این مفهوم را چنین تعریف می‌کند: «کاربرد مکرر خشونت با انگیزه سیاسی، با هدف ارعاب، به وسیله عوامل غیردولتی که بر بیش از یک دولت اثر می‌گذارد.» (۵) مشکل این تعریف این است که اولاً دولت‌ها را در زمره عوامل تروریسم بین‌المللی قرار نمی‌دهد و ثانیاً آماج تروریسم بین‌المللی را نیز فقط دولت‌ها می‌داند. این مشکلات در تعریف قاضی شریف بسیونی، حقوق‌دان معروف مصری، رفع شده است. در تعریف وی، تروریسم بین‌المللی عبارت است از:

«رفتار اجبارآفرین فردی یا دسته‌جمعی همراه با اعمال استراتژی خشونت و

ترور که یک عنصر بین‌المللی را دربرگیرد یا علیه یک هدف تحت حمایت

بین‌المللی باشد و منظور از ارتکاب آن نیز ایجاد نتیجه قدرت‌طلبانه باشد.» (۶)

بنابراین، در مواردی که اولاً مرتکب و قربانی، شهروندان دولتهای مختلفی باشند، ثانیاً این رفتار تماماً یا جزئاً در بیش از یک کشور انجام شود، ثالثاً اهداف مورد ترور، تحت حمایت بین‌المللی باشند؛ مانند غیرنظامیان بیگناه، دیپلمات‌های دارای استوارنامه مورد قبول و کارمندان سازمان‌های بین‌المللی که در داخل حوزه فعالیت خود عمل کنند، هوانوردی غیرنظامی بین‌المللی و پست یا دیگر وسایل ارتباط بین‌المللی و رابعاً هدف از اعمال ترور، کسب نتیجه قدرت‌طلبانه باشد، آن موارد در زمره تروریسم بین‌المللی جای می‌گیرد. نتیجه قدرت‌طلبانه،

نتیجه‌ای است که هدف آن تغییر یا حفظ ساخت‌ها یا خط‌مشی‌های سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی هر دولت یا سرزمین مشخص از طریق استراتژی‌های اجبارآفرین باشد. (۷)

در توضیح محدوده مکانی تروریسم بین‌المللی باید به این نکته توجه داشت که ممکن است برخی اقدامات تروریستی، به خشونت در داخل مرزهای یک کشور محدود شود، اما تجلی برخورد میان دو قوم یا پیروان دو مذهب متفاوت باشد؛ مانند حملات جدایی‌طلبان باسک یا بمب‌گذاری در مناطق مسلمان‌نشین یا مسیحی‌نشین در بیروت در دوره جنگ‌های داخلی لبنان. در این گونه موارد، اگرچه این گروه‌ها در محدوده یک کشور به فعالیت‌های تروریستی بر ضد یکدیگر می‌پردازند، ولی خودشان را ملت‌های جداگانه می‌دانند. به همین دلیل، در اینجا نیز عنصر بین‌المللی وجود دارد.

نقطه قوت تعریف بسیونی این است که «عنصر بین‌المللی» را جایگزین «دولت» کرده است. به بیان دیگر، تروریسم بین‌المللی در سطح عاملان، صرفاً به گروه‌های غیردولتی محدود نمی‌شود و می‌توان از تروریسم دولتی خارجی در روابط بین‌الملل سخن گفت. تروریسم دولتی خارجی به معنای بهره‌گیری دولت از روش‌ها و شیوه‌های تروریستی در خارج از مرزهای ملی به منظور تعقیب اهداف استراتژیک است. این گونه تروریسم هنگامی رخ می‌دهد که دولت‌ها خارج از تشریفات دیپلماتیک، دست به خشونت می‌زنند یا تهدید به استفاده از آن می‌نمایند. (۸)

دونا اشلاگهک^۱ نیز در کتاب خود با عنوان «تروریسم بین‌الملل، مقدمه‌ای بر مفاهیم و عوامل»، با اشاره به اینکه تا کنون قریب به صد تعریف از تروریسم بین‌المللی ارائه شده، عناصر مشترک این تعاریف را در سه مورد رفتار خشونت‌بار توأم با ارعاب و ایجاد ترس و ناامنی، دارابودن هدف و انگیزه سیاسی و دارابودن یک عنصر بین‌المللی خلاصه می‌کند. (۹)

در خصوص مصادیق تروریسم بین‌المللی نیز متون جاری مطالعات تروریسم غالباً به عملیات تروریستی بن‌لادن و گروهش در دو دهه گذشته استناد می‌کنند. در هفتم اوت ۱۹۹۸، دو خودروی بمب‌گذاری‌شده، پس از ورود به سفارتخانه‌های ایالات متحده در کنیا و تانزانیا منفجر شد و بیش از ۲۵۰ کشته و ۵۵۰۰ مجروح به جای گذاشت. این حادثه یکی از

1 . Dona Schlagheck

مهلک‌ترین حملات تروریستی دهه ۱۹۹۰ بود. پس از بازداشت‌ها و بازجویی‌های بسیار، سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده اعلام کردند مسئولیت این حوادث بر عهده اسامه بن‌لادن^۱، عرب‌تبار ساکن افغانستان است. (۱۰)

ج. تحول تاریخی تروریسم بین‌المللی

تحقیقات تاریخی در مطالعات تروریسم، عمدتاً به مرور یا وقایع‌نگاری تاریخی رویدادهای تروریستی محدود شده است. در این میان، دیوید راپوپورت^۲ محقق برجسته انگلیسی و متخصص مسائل تروریسم، در مقاله‌ای با عنوان «چهار موج تروریسم مدرن»، نظریه‌ای در خصوص گونه‌شناسی تاریخی تروریسم بین‌المللی و چگونگی تحول آن در قالب یک فرایند ارائه کرده است که در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد. (۱۱) مطابق نظریه وی، تروریسم بین‌المللی در دنیای پساوستفالیایی، تا کنون چهار مرحله یا موج را تجربه کرده است.

اولین موج که به موج آنارشیستی^۳ معروف است، در دهه ۱۸۸۰ شروع شد و به مدت چهل سال ادامه پیدا کرد. به دنبال آن و در دهه ۱۹۲۰، موج ضداستعماری یا تروریسم قومی (۱۲) شروع شد و عمدتاً در دهه ۱۹۶۰ رو به افول نهاد. اواخر دهه ۱۹۶۰، موج چپ جدید^۴ یا موج مارکسیستی متولد شد و تقریباً تا دهه ۱۹۹۰ به صورت لجام گسیخته‌ای ادامه یافت و هنوز هم در بعضی کشورها نظیر نپال، اسپانیا، پرو، بریتانیا و کلمبیا، گروه‌هایی از آن فعال می‌باشند. چهارمین موج یا «موج مذهبی»^۵ در سال ۱۹۹۷ نمود یافت و مطابق تخمین راپوپورت، چنانچه الگوی حاکم بر سه موج قبلی و روند آنها را بر موج جدید نیز منطبق بدانیم، ممکن است در سال ۲۰۲۵ پایان یابد و در آن سال، تاریخ روابط بین‌الملل آغاز موج جدیدی از تروریسم را شاهد باشد.

تکنیک غالب کنش تروریستی در موج اول، قتل یا ترور شخصی بود. موج دوم با حمله به اهداف نظامی مشخص می‌شد که در موج سوم، جای خود را به هواپیماربایی و در واقع

1 . Osama Binladen
 2 . David C. Rapoport
 3 . Anarchist Wave
 4 . New left Wave
 5 . Religious Wave

آدم‌ربایی یا گروگانگیری داد. در سه دهه اول موج سوم، بیش از هفتصد هواپیماربایی رخ داد. با پایان جنگ سرد و فروپاشی مارکسیسم، استراتژیست‌ها و متفکرین غربی از جمله راپوپورت معتقدند قرن بیست‌ویکم شاهد برآمدن موج جدیدی از تروریسم است که تکنیک خاص آن، عملیات انتحاری است.

در عین حال، ایده اصلی مقاله حاضر این است که تمایز موج جدید تروریسم یا تحول نوین در تروریسم بین‌المللی را نمی‌توان صرفاً با عنصر مذهب توضیح داد. راپوپورت، خود در مقاله‌ای با عنوان «هراس و اضطراب»^۱، با استناد به سه مورد از معروف‌ترین گروه‌های تروریستی مذهبی یعنی گروه یهودی سیکاری، هندوهای تاگ و اسماعیلیه نزاری (باطنی‌ها)، نتیجه می‌گیرد که گروه‌های مذکور بیانگر همان الگوها و رفتارهایی هستند که امروزه تروریست‌های هر یک از ادیان از خود بروز می‌دهند. (۱۳) بنابراین، نمی‌توان صرفاً انگیزه و توجیه مذهبی را مبنای برآمدن موج جدید تروریستی دانست.

استدلال مقاله حاضر این است که آنچه توضیح‌دهنده تحول جدید در تروریسم بین‌المللی است، پدیده یا فرایند جهانی‌شدن است و واکنش‌های مذهبی در این چارچوب نیز واکنشی به این فرایند می‌باشند.

د. تروریسم نوین: تعابیر و ویژگی‌ها

اصطلاح «تروریسم نوین» غالباً پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ متداول شده و محور مطالعات تروریسم را تشکیل داده است، اما قدمت این اصطلاح به سال‌های پایانی جنگ سرد بازمی‌گردد. در سال ۱۹۸۶، یک مجله خبری کانادایی با عنوان «مک لینز»^۲ مقاله‌ای به چاپ رساند با عنوان «چهره تهدیدآمیز تروریسم نوین»^۳. نویسنده مقاله استدلال کرده بود که «تروریسم نوین» به منزله جنگ علیه چیزی است که خاورمیانه آن را «انحطاط و سقوط اخلاقی غرب» می‌خواند. (۱۴)

1 . Fear and Trembling

2 . Mcleans

3 . The Menacing Face of New Terrorism

بنابراین، آنچه از آن با عنوان تروریسم جدید یا نوین یاد می‌شود، از پایان جنگ سرد به تدریج نشانه‌ها و علائم بروز خود را عیان نمود تا در رویداد یازدهم سپتامبر به نهایت ظرفیت خود دست یافت. به همین دلیل است که پژوهش‌گران و نویسندگان مطالعات تروریسم در غرب و حتی در خاورمیانه، برای شناخت و بررسی تحول جدید در تروریسم بین‌المللی، به مطالعه و تحلیل این رویداد می‌پردازند. ماتیو مورگان در مقاله‌ای با عنوان «ریشه‌های تروریسم جدید»، بر اساس همین تلقی، تروریسم نوین را توضیح داده است. به بیان وی:

«فاجعه یازده سپتامبر درست در زمانی روی داد که کارشناسان روابط بین‌الملل در حال تعریف شکل جدیدی از تروریسم بودند که بر نوعی الهام هزاره‌گرا و قربانیان انبوه تمرکز داشت. این حملات بلاخیز، تأییدی بر این تلقی بودند و از این رو اسامه بن‌لادن و شبکه جهانی و تروریست القاعده در صدر مثال‌ها برای تروریسم جدید هستند. تصادم مرگبار هواپیماهای مسافربری رבוده‌شده به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، مخربترین حمله تروریستی در تاریخ جهان بود که حدود سه هزار نفر را به کام مرگ فرستاد.» (۱۵)

ایزابیل دایوستین، استاد دپارتمان تاریخ روابط بین‌الملل در هلند، در مقاله‌ای با عنوان «چه چیزی در تروریسم نوین جدید است؟»، سعی کرده ابعاد نوین تروریسم را در تحول کنونی آن توضیح دهد. به نظر وی، تروریسم جدید اولاً به لحاظ مرتکبان و سازمان‌دهی، طبیعتی فراملی دارد؛ ثانیاً مبتنی بر نوعی الهام و افراط‌گرایی مذهبی است؛ ثالثاً تروریست‌های جدید به سلاح‌های کشتار جمعی دسترسی دارند و هدفشان حمله به بیشترین مردم ممکن است و رابعاً آنها قربانیان خود را به دقت انتخاب و دستچین نمی‌کنند، بلکه آنها را به صورت «فله‌ای» و غیرتبعیض‌آمیز برمی‌گزینند. (۱۶)

امی زلمن نیز در تحلیلی پیرامون عناصر جدید در تروریسم نوین به تبیین تمایزها میان تروریسم جدید و «تروریسم قدیم» پرداخته و رویداد یازده سپتامبر را مقطع زمانی تاریخی برای تحول از تروریسم قدیم به تروریسم جدید دانسته است. (۱۷) وی تفاوت این دوگونه تروریسم را در چهار مورد می‌داند.

اول آنکه اهداف تروریسم جدید از تخریب و ویرانی در خود آن نهفته است و از این رو می‌بایست آن را با مدل سازمانی تبیین نمود، در حالی که تروریسم قدیم، خشونت ویرانگر را چونان ابزاری برای هدف سیاسی به کار می‌برد.^۱

دوم آنکه، هدف تروریسم نوین بر جای گذاشتن بیشترین ویرانی ممکن است که آن را از طریق اشکال ویرانگر تسلیحات یا تکنیک‌ها همچون تروریسم انتحاری^۲ عملی می‌کند، در صورتی که تروریسم قدیم در پی آفرینش نمایشی دراماتیک از طریق کمترین خسارات بود. سوم آنکه، تروریسم جدید به لحاظ سازمانی نیز از تروریسم قدیم متمایز می‌شود. تروریسم جدید غیرسلسله‌مراتبی^۳ و افقی است (به لحاظ توزیع مواضع اقتدار در سازمان)، در حالی که تروریسم قدیم سلسله‌مراتبی^۴ و عمودی بود. سازمان‌های قدیمی متمرکز بودند، در حالی که تروریسم جدید سازمانی نامتمرکز دارد.

چهارمین و آخرین تمایز نیز به مبنای توجیه‌کننده تروریسم مربوط می‌شود. تروریسم جدید در زمینه‌ای مذهبی و آخرالزمانی توجیه می‌شود، در حالی که تروریسم قدیم ریشه در نوعی ایدئولوژی سیاسی داشت.^(۱۸)

والتر لاکوئر نیز در مقاله مشهور خود با عنوان «تروریسم پست‌مدرن»^۵، تروریسم جدید را تروریسم پست‌مدرن نامید. به نظر وی، تروریسم نوین در چارچوب اهداف و قالب‌های مدرن همچون قدرت‌طلبی، منفعت‌جویی یا ملت‌گرایی نمی‌گنجد و اهداف یا قالب‌های پسامدرن همچون مذهب، هویت و جهانی‌شدن برای توضیح آن لازم است.^(۱۹)

۱. در توضیح این ویژگی باید خاطر نشان نمود که در تبیین تروریسم، دو مدل و الگوی نظری وجود دارند که عبارتند از الگوی ابزاری (Instrumental Model) و الگوی سازمانی (Organizational Model). در مدل ابزاری، تروریسم و تروریست‌ها نوعی ویژگی عقلایی دارند؛ یعنی برای رسیدن به اهدافی خاص یا تأمین منفعتی مهم، برخی ابزارها را برمی‌گزینند که یکی از آنها ترور است. در مدل سازمانی، ترور گرچه برای رسیدن به هدفی خاص سازماندهی شده، اما طریقت ندارد، چون آنچه مهم است، حفظ سازمان می‌باشد که منوط به تداوم ترور است.

2. suicide terrorism
3. heterarchical
4. hierarchical
5. Postmodern Terrorism

استیو اسمیت و جان بلیس نیز در کتاب محققانه خود با عنوان «جهانی‌شدن سیاست: مقدمه‌ای بر روابط بین‌الملل»، به تأسی از لاکوئر، تروریسم جدید را با مشخصه‌های پست مدرن و مذهبی قابل توجیه دانسته‌اند. در عین حال، آنها کتاب خود را در ویرایش دوم، به تناسب یازده سپتامبر بازنویسی کردند و فصلی را با عنوان «تروریسم و جهانی‌شدن» به آن افزودند. آنها در این ویرایش، حوادث روز یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده را شواهدی برای جهانی‌شدن دنیای کنونی دانسته‌اند و هفت دلیل را برای این مدعا ذکر کرده‌اند. (۲۰)

اسمیت و بلیس با این استدلال نشان می‌دهند که روابط سیاسی - امنیتی در دنیای کنونی، نه بین‌المللی که جهانی است. این استدلال بسیار با فرضیه مقاله حاضر نزدیک است. مطابق این فرضیه، تروریسم جدید، نمایانگر تحول تروریسم در روابط بین‌المللی از تروریسم بین‌المللی به تروریسم جهانی است.

۵. تروریسم جهانی

منظور از جهانی‌شدن، فرایند گسترش ارتباطات بین جوامع است به گونه‌ای که وقایع و تحولات یک گوشه از جهان به طور فزاینده‌ای بر مردم و جوامع دیگر سوی جهان تأثیر می‌گذارد. این تحول به منزله معنایی جدید برای مفاهیم زمان و مکان است که با معانی سنتی آنها در جوامع ماقبل مدرن یا حتی صنعتی، تفاوت بسیار دارد. انتقال آنی اطلاعات، داده‌ها و سرمایه‌ها و امکان ارتباط همزمان میان افراد در نقاط مختلف، عملاً فواصل زمانی را از میان برداشته و نظم طبیعی دوران قدیم یا چارچوب‌های مکانیکی جهان صنعتی را به کلی دگرگون ساخته است. مکان نیز با مفهوم دسترسی یا عدم دسترسی به اطلاعات و ابزار انتقال و پردازش آن ارتباط پیدا کرده و انقلاب اطلاعاتی از مفهوم مکان نیز قلمروزدایی کرده است. به این اعتبار، «حضور در مکان»، معنای تازه‌ای یافته که می‌تواند تعیین‌کننده ارتباط و اتصال شخص به جامعه اطلاعاتی یا طرد و حذف او از این مکان فراگیر باشد.

مانوئل کاستلز در سه‌گانه مشهور خود با عنوان «عصر اطلاعات»، این ویژگی را خصلت شبکه‌ای جهان معاصر یا جامعه شبکه‌ای^۱ نام نهاده است. مطابق ایده وی، هر شبکه از شماری

نقاط اتصال یا گره^۱ مشابه سیناپس‌های^۲ سلسله اعصاب تشکیل یافته که سرمایه و اطلاعات در میان آنها جریان می‌یابد و کنترل بر شبکه از طریق آنها اعمال می‌شود. در درون جامعه شبکه‌ای، دولت‌های ملی که در شرایط متعارف نماینده اراده و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی هستند، چنان تضعیف می‌شوند که توانایی کنترل اطلاعات یا سرمایه را درون مرزهای خود از دست می‌دهند. (۲۱)

جان بیلیس و استیو اسمیت بر مبنای همین ویژگی، تفاوت بین‌المللی شدن و جهانی شدن را توضیح داده‌اند. اصطلاح «بین‌المللی شدن» به فرایند گسترش روابط بین حوزه‌ها و قلمروهای ملی اطلاق می‌شود. در نتیجه بین‌المللی شدن ممکن است کشورها تأثیرات گسترده و عمیقی بر یکدیگر بگذارند، اما آنها همچنان به عنوان مکان‌هایی متمایز و جدا از یکدیگر باقی می‌مانند. در روابط بین‌المللی، کشورها به وسیله خطوط مرزی به خوبی مشخص شده و همین طور به وسیله یک زمان قابل ملاحظه که عموماً برای طی فاصله بین قلمروهای آنها مورد نیاز است، از یکدیگر جدا می‌شوند. در واقع، عرصه بین‌المللی ملغمه‌ای از کشورهای دارای مرز است در حالی که عرصه جهانی، شبکه‌ای متشکل از شبکه‌های فرامرزی است.

در جایی که مناسبات و پیوندهای بین‌المللی (مثل تجارت کاکائو) مستلزم طی کردن مسافت‌های قابل ملاحظه در فواصل زمانی نسبتاً طولانی است، ارتباطات جهانی (مانند برنامه‌های خبری ماهواره‌ای) بدون فاصله و آنی به شمار می‌آیند.

پدیده‌های جهانی می‌توانند در یک زمان در سراسر جهان گسترش یابند و بدون صرف وقت بین مکان‌ها تردد نمایند. پدیده‌های مزبور، از این نظر، فراسرزمینی^۳ و جهانی هستند. در حالی که الگوهای وابستگی متقابل بین‌المللی به شدت تحت تأثیر تقسیمات کشوری قرار دارند، خطوط ارتباطات متقابل جهانی، غالباً ارتباط کمی با مرزهای سرزمینی پیدا می‌کنند. (۲۲)

به این معنا، تحول هر عنصر بین‌المللی به جهانی، از طریق سرزمین‌زدایی یا غیرسرزمینی شدن امکان‌پذیر می‌شود. بنابراین، مهمترین خصیصه‌ای که تحول از تروریسم قدیم به تروریسم جدید را توضیح می‌دهد، غیرسرزمینی شدن تروریسم جدید یا جهانی شدن آن است.

1 . node

2 . synapses

3 . Transterritorial

۱. انگیزه

به لحاظ انگیزه، تروریسم نوین را می‌بایست در چارچوب مدل سازمانی و هویت‌پایه درک کرد و به تحلیل یا مقابله با آن پرداخت. به بیان دیگر، تروریسم نوین در قالب نوعی خرده‌فرهنگ بروز می‌یابد. خرده‌فرهنگ غالباً به معنای تفاوت یا تعارض فرهنگی با فرهنگ مسلط یا در حال غلبه است و از این لحاظ نوعی مقاومت در برابر آن به شمار می‌رود. (۲۳)

تروریسم نوین، از این منظر واکنشی است در برابر گرایش مسلط در روند جهانی شدن. یکی از جنبه‌های اصلی این گرایش، جهانی‌شدن فرهنگ غربی است که درصدد همگون‌سازی فرهنگ‌های مختلف و ادغام آنها در فرهنگی فراملی به نام فرهنگ سرمایه‌داری است. چنین گرایشی، فرهنگ مذهبی را به عنوان اصلی‌ترین حوزه معنادهی و امنیت‌بخشی در بسیاری از جوامع و به ویژه در خاورمیانه، با تهدید مواجه می‌کند.

این امر از آن روست که هویت مذهبی بر اثر گسترش معرفت‌شناسی سکولار در عصر جهانی شدن، بیش از گذشته تهدید و به حاشیه رانده شده است. این به حاشیه رانده‌شدگی و احساس تحقیر در تلفیق با گرایش‌های افراطی و برداشت‌های خشونت‌آمیز از مذهب، مبنای شکل‌گیری جنبش‌ها و سازمان تروریستی همچون القاعده شده است.

مانوئل کاستلز در جلد دوم سه‌گانه خود، با عنوان «قدرت هویت»، از ظهور هویت‌های مقاوم در هیأت جمعیت‌های دینی، فرهنگی، ملی، قومی و محلی در عصر اطلاعات سخن می‌گوید. هویت مقاومت ناشی از نوعی احساس طرد و کنار گذاشته‌شدگی است و به ایجاد جمعیت‌ها و جماعت‌های با گرایش‌های خاص منجر می‌شود.

کاستلز با بررسی موردی جنبش‌های معترض نظیر زاپاتیست‌های مکزیک، میلیشیا‌های آمریکایی، کاتالان‌ها در اسپانیا و آئوم شینریکیو در ژاپن و نیز با اشاره به جنبش‌های بنیادگرایانه دینی، نشان می‌دهد همه این نهضت‌ها، در برابر سیل بنیان‌کن شبکه‌ای‌شدن عالم، در تلاشند با تکیه بر میراثی که آن را احیاناً جاودانی و لایتغیر به شمار می‌آورند، حصن حصینی ایجاد کنند و در برابر تغییراتی که در عالم در حال وقوع است، مقاومت ورزند. (۲۴)

وی برای مثال، به فرقه آئوم شینریکیو^۱ اشاره می‌کند. در ماه مارس ۱۹۹۵، سه حمله جداگانه در ۳ قطار زیرزمینی توکیو که با انفجار بمب‌های شیمیایی حاوی گاز سارین انجام گرفت، باعث مرگ ۱۲ و زخمی شدن پنج هزار نفر شد. پلیس با استفاده از اطلاعات مربوط به حادثه مشابهی که در ژوئن ۱۹۹۴ در ماتسو موتو رخ داده بود، به این نتیجه رسید که این حملات توسط اعضای آئوم شینریکیو صورت گرفته است. بر اساس گفته‌های خود این فرقه، هدف غایی آئوم شینریکیو، زنده ماندن در دوره آخرالزمان است که به زودی فرا می‌رسد و همچنین نجات ژاپن و جهان از جنگ ویرانگری که نتیجه اجتناب‌ناپذیر رقابت شرکت‌های ژاپنی و امپریالیسم آمریکا برای ایجاد نظم نوین جهانی و دولت واحد جهانی است. (۲۵)

سازمان القاعده نیز یکی از همین جنبش‌ها به شمار می‌رود که خالق یازده سپتامبر به مثابه قیامی نمادین - نمایشی علیه جهانی شدن فرهنگ سرمایه‌داری غرب است. ریشه شکل‌گیری این سازمان به زمان درگیری جنبش‌های اسلام‌گرا با اشغال‌گران روسی در افغانستان بازمی‌گردد. با حمایت CIA، سرویس اطلاعاتی عربستان سعودی و سازمان اطلاعاتی پاکستان، یک شبکه بین‌المللی حمایت از اسلام‌گرایان افغانی تشکیل شد که غالباً از اعضای جهاد اسلامی مصر به رهبری ایمن الظواهری (مرد شماره ۲ القاعده) عضوگیری می‌کرد. بسیاری از رزمندگان عرب که برای مبارزه به افغانستان می‌آمدند، در کانونی متشکل می‌شدند که در پیشاور تحت عنوان مکتب‌الخدمات به رهبری یک مسلمان بحرینی‌الاصل و یک ثروتمند سعودی به نام اسامه بن‌لادن، پایه‌گذاری شده بود. بن‌لادن بعدها این مبارزان را که به اعراب افغان شهرت یافتند، در گسترده‌ترین شبکه تروریستی تاریخ یعنی القاعده سازماندهی کرد. ایدئولوژی القاعده معجونی بود از تغییر جهت در اسلام‌گرایی به نوعی بنیادگرایی خاص با آمیزه‌هایی از بنیادگرایی سنتی در میان سنی‌مذهبان وهابی آمیخته با احساسات فرهنگی ضد غربی. این گرایش، سعی داشت قواعد شرعی را به اتکای خشونت به جامعه بازگردانده و جوامع اسلامی و در نهایت، سراسر زمین را از لوٹ وجود کفار پاک نماید. (۲۶)

1 . Aum Shinrikio

در برابر این تلقی، باری بوزان و الی ویور در کتاب «مناطق و قدرت‌ها»، استدلال می‌کنند که انگیزه القاعده از تروریسم را نمی‌توان بر مبنای جنبه غیرسرزمینی امنیت در دنیای جدید تحلیل کرد. به نظر آنها:

«شبکه القاعده با وجود داشتن سازماندهی و روش‌های بین‌المللی، از پوشش‌های مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه و تعامل این پوشش‌ها با سطح جهانی بهره می‌گیرد. ممکن است در کنش القاعده بتوان نوعی مقاومت ایمان جهان‌شمول در برابر هجوم فرهنگی سرمایه‌داری را مشاهده کرد، اما به نظر نمی‌رسد انگیزه اصلی این باشد. در گفتمان القاعده، استقرار نیروهای آمریکایی در سرزمین عربستان و حمایت ایالات متحده از اسرائیل، اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین، در حالی که القاعده خود را بازیگر فراملی فاقد سرزمین مشخص نشان می‌دهد، حیات، عملکرد و انگیزه‌های آن را نمی‌توان بدون مراجعه به ساختارهای منطقه‌ای امنیت و تعامل این ساختارها با سطح جهانی درک نمود». (۲۷)

این استدلال درست است، اما به نظر می‌رسد نافی استدلال مقاله حاضر در خصوص جهانی‌شدن یا حتی غیرسرزمینی‌شدن تروریسم نوین نیست. گرایش محلی، بخشی از فرایندهای جهانی‌شدن یا در واقع، محمل ورود به این فرایندهاست.

رونالد رابرتسون برای توضیح این پدیده، از اصطلاح «جهانی - محلی‌شدن»^۱ استفاده کرده است. به نظر وی، جهانی‌شدن برخلاف آنچه تصور می‌شود، فرابندی مکان‌مند^۲ است. جهانی‌شدن همواره در چارچوب محلی به وقوع می‌پیوندد و چارچوب محلی، خود از طریق گفتمان‌های جهانی‌شدن به مثابه مکانی خاص ایجاد می‌شود. به این معنا، جهانی - محلی‌شدن به منزله نوعی دیدگاه جهانی دوخته‌شده به شرایط محلی است. (۲۸)

1 . Glocalization

2 . Spatialized

در خصوص القاعده نیز همین شرایط حاکم است. گرچه مبنای انگیزه القاعده وضعیتی است که در خاورمیانه وجود دارد، اما به نظر می‌رسد حتی اگر این منطقه «از لوث وجود کفار پاک شود»، باز هم انگیزه و رسالت جهانی القاعده وجود داشته باشد و تداوم یابد.

۲. سازمان‌دهی

تروریسم نوین، همانگونه که گفته شد، گرچه در برابر جهانی‌شدن شکل گرفته، ولی از امکانات و قابلیت‌های آن به تمامی بهره می‌برد و در واقع، در کنار تقابل، از رویکرد استخدام نیز سود می‌جوید. بنابراین، سازمان‌دهی تروریسم نوین، همگام با ظهور جامعه شبکه‌ای، سازمان‌دهی شبکه‌ای است و از این رو به آن تروریسم شبکه‌ای^۱ نیز می‌گویند.

شبکه، نوعی سازمان‌دهی غیرسلسله‌مراتبی است که در آن، رابطه‌ای کمابیش هم‌تراز و هم‌سطح مابین اعضا یا هسته‌های تشکیل‌دهنده آن وجود دارد. صورت‌بندی شبکه‌ای را می‌توان به تور ماهیگیری تشبیه کرد که هسته‌ها، گروه‌ها و جریان‌ها، گره‌های آن را تشکیل می‌دهند.

این گروه‌ها عمدتاً در تعامل با یکدیگرند و حداکثر استقلال را برای ابراز خلاقیت و هویت خود دارند. به این معنا، شبکه، مجموعه‌ای از نقاط اتصال یا گره‌های به هم پیوسته است. نقطه اتصال یا گره، نقطه‌ای است که در آن یک منحنی خود را قطع می‌کند. اینکه نقطه اتصال چه چیزی است، مشخصاً به نوع شبکه‌های مورد نظر بستگی دارد.

شبکه جریان مالی جهانی از نقطه اتصال بازارهای بورس و مراکز خدمات جانبی پیشرفته آنها تشکیل شده است. نقاط اتصال مزارع کوکائین و خشخاش، آزمایشگاه‌های پنهانی، باندهای فرود مخفی، گروه‌های خیابانی و نهادهای مالی پول‌شویی در شبکه‌های قاچاق مواد مخدر هستند که در اقتصادها، جوامع و دولت‌ها در سراسر جهان نفوذ کرده‌اند. (۲۹)

در عین حال، سازمان‌دهی شبکه‌ای، سازمان‌دهی نوینی نیست. نمونه سنتی آن را می‌توان در اصناف کارگری و پیشه‌وران در شهرهای ابتدایی هم یافت. به بیان دیگر، شکل شبکه‌ای سازمان اجتماعی در دیگر زمان‌ها و مکان‌ها نیز وجود داشته است، اما آنچه عنصر نوین در سازمان‌های شبکه‌ای جدید است، ناشی از تسلط پارادایم نوین تکنولوژی اطلاعات می‌باشد و

از همین‌رو، اطلاعات عنصر اصلی سازمان اجتماعی دنیای امروز به شمار می‌رود و جریان پیام‌ها و تصاویر بین شبکه‌ها، ستون فقرات این ساختار اجتماعی را شکل می‌دهند. (۳۰)

القاعده نیز نوعی شبکه گسترده تروریستی است که گره‌های آن از طریق فناوری اطلاعات به هم مرتبطند. آنها از طریق شبکه‌های پشتیبانی‌کننده مالی و ایدئولوژیکی تقویت می‌شوند و به صورت غیرمتمرکز عمل می‌کنند. بنابراین، برخلاف گروه‌های سنتی، این شبکه‌های تروریستی هیچ پایگاه واحدی ندارند تا بتوان با از بین بردن آن کل تشکیلات را از بین برد. ساختار شبکه بن‌لادن به گونه‌ای است که امکان ضربه‌پذیری آن را به حداقل می‌رساند، زیرا در این شبکه، قدرت مرکزی، سلسله‌مراتب و مقر اصلی به شکل سنتی و مشخص آن موجود نیست و هر بار مسیر و شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد. (۳۱)

در بعد عملیاتی نیز سازمان‌های تروریستی برای تأثیرگذاری هرچه بیشتر، نیاز به نوعی قابلیت جمع‌آوری اطلاعاتی دارند. در این چارچوب، استفاده از منابع آشکار همچون اینترنت کمک مهمی به آنها در انتخاب هدف می‌کند. به واقع، اینترنت و منابع آشکار در بعد عملیات، کارکردهای بسیاری ایفا می‌کنند. فن‌آوری رایانه‌ای در خدمت مواردی چون عضوگیری، تبلیغات سیاسی، تأمین مالی، ایجاد ارتباطات و هم‌آهنگی بین گروه‌ها و درون هر گروه، جمع‌آوری اطلاعات و پنهان‌کاری و ناشناس‌ماندن در فعالیتهای روزمره و نیز در عملیات تاکتیکی قرار می‌گیرد. (۳۲)

از سوی دیگر، قابلیت‌ها و امکانات جهانی، همچون ماهواره‌ها، سازمان‌های غیردولتی، خطوط هواپیمایی بین‌المللی، اینترنت و مانند آن، می‌توانند به تروریست‌های جدید کمک کنند تا برای کسب منابع مالی، پناهگاه‌ها، استخدام اعضا و آموزش آنها و تأمین بسیاری از دیگر مایحتاج خود، از دولت‌ها بی‌نیاز شوند. (۳۳)

این سطح از بی‌نیازی موجب می‌شود ساختار گروه‌های جدید، برخلاف گروه‌های پیشین، تک‌پایه باشد نه دوپایه. سازمان‌های قدیمی همچون ارتش جمهوری‌خواه ایرلند یا سازمان مجاهدین خلق ایران، غالباً ساختاری دوپایه داشتند؛ یعنی هم شامل تیم‌های عملیاتی و ترور می‌شدند و هم برخی سیاستمداران و دیپلمات‌ها را در اختیار داشتند تا همزمان با اقدامات تروریستی، مقاصد سیاسی خود را به پیش ببرند.

ساخت دوپایه، مستلزم آن بود که از سوی دولت دیگر یا حزب مدعی قدرت پشتیبانی شوند و در عین حال، در پی دستیابی به قدرت سیاسی یا تسلط بر دولت نیز باشند. به بیان دیگر، پیکره دوپاره این سازمان‌ها نشان‌دهنده بعد سرزمینی تشکیلات آنهاست. بحرانی که سازمان مجاهدین خلق در اردوگاه اشرف در عراق تجربه می‌کند و تمایل گاه‌به‌گاه سران این سازمان برای انتقال آن به دیگر کشورها همچون مصر، ناشی از همین ویژگی است.

در مقابل، تروریسم جدید چون هویت‌محور است نه منفعت‌محور و از امکانات و قابلیت‌های جهانی شدن سود می‌برد، این امکان را دارد که ساختی تک‌پایه داشته باشد و در واقع، غیرسرزمینی باشد. به همین دلیل، نفوذپذیری کمتری دارد و بسیار دشوارتر از گونه‌های پیشین می‌توان آن را متلاشی کرد. دلیل این امر آن است که شاخه‌های سیاسی به واسطه انضباط کمتر و انعطاف‌پذیری تشکیلاتی نسبت به شاخه عملیاتی، همواره در معرض نفوذ و اختلاف‌افکنی قرار داشتند. این راهبردی بود که اسرائیلی‌ها از طریق آن سازمان آزادی‌بخش فلسطین را زمین‌گیر کردند.

تک‌پایه‌بودن سازمان تروریسم نوین، موجب می‌شود انسجام هویتی آن به میزان بالایی حفظ شود و در نتیجه، ترور به منزله نوعی سبک زندگی^۱ اصالت یابد. به همین دلیل، برای تحلیل تروریسم نوین یا تروریسم جهانی‌شده، الگوی سازمانی مناسبتر از الگوی ابزاری است.

۳. ابزار

تروریسم جدید در مقام بهره‌گیری از ابزار نیز بیش از هر زمانی از قابلیت‌های جهانی‌شدن سود می‌جوید. ارتقاء تروریسم به گونه نوین آن، نه بر مبنای انقلاب در ابزار اعمال خشونت، بلکه بر مبنای بهره‌برداری از انقلاب رسانه‌ای یا انقلاب اطلاعاتی صورت گرفته است. انقلابی که بر اساس آن، تصاویر جای اخبار را به مفهوم کلاسیک آن گرفته است.

تا پیش از این، آنچه اکثریت خاموش (یا طرف سوم) پس از هر عملیات تروریستی در پی آن بودند، بیانیه‌های پذیرش مسئولیت عملیات بود که به بیان اهداف و انگیزه‌های اقدامات تروریستی می‌پرداخت. امروزه، این انتظار جای خود را به اشتیاق برای رؤیت تصاویر این

عملیات داده است که اوج آن را می‌توان در حادثه یازده سپتامبر مشاهده کرد. به همین دلیل است که تروریسم نوین، از شیوه تحریک و برانگیختن سود می‌برد نه باج‌خواهی. (۳۴)

تروریسم قدیم، عمدتاً بر باج‌خواهی تکیه داشت، زیرا منفعت‌محور بود، اما رسانه‌های جهانی و به ویژه تلویزیون‌های ماهواره‌ای این قابلیت را به تروریست‌های جدید داده‌اند تا به دنبال تحریک و برانگیختن احساسات و روان‌جمعی جامعه از طریق تولید صحنه‌ها و تصاویر به غایت فاجعه‌بار باشند. اگر هواپیمایی منهدم شود، ولی همه تصور کنند دلیل آن نقص فنی بوده است، تروریست‌ها چیزی به دست نمی‌آورند. از این منظر، تروریسم نوین، بیش از پیش از کاهش کنترل سیاسی بر رسانه‌ها در روند جهانی شدن سود می‌جوید و مهمترین ویژگی آن مرتبط‌سازی خشونت با رسانه و انتشار خبر آن است.

در یازده سپتامبر نیز بن‌لادن به گونه‌ای غیرمستقیم به تمامی پرده‌های تلویزیون‌های جهان دست یافت و سعی کرد با استفاده از تلویزیون‌های آمریکا به جنگ دولت آن برود. واشنگتن به سرعت به اهمیت این چالش پی برد و با ممنوع‌سازی پخش تصاویر اجساد قربانیان، اجازه نداد آسیب‌پذیری دولت در برابر این گونه حملات، بیش از این نمایان شود. (۳۵)

بنابراین، تروریست‌های جدید بر اساس اصولی همچون اصول حاکم بر سازمان‌های غیردولتی که در دوره جهانی شدن اهمیت و نقش‌آفرینی افزونتری یافته‌اند، کار می‌کنند. این سازمان‌ها برای جلب توجه عموم و برجسته‌کردن موضوعات مورد نظر خود - به عنوان مثال، حفاظت از آب و هوا، اشتغال کودکان یا نابودی جنگل‌ها - صحنه‌هایی را ترتیب می‌دهند که سناریوی آنها تولید تصاویر جنجال‌برانگیز است. این تصاویر باید حساسیت مردم سراسر دنیا را برانگیخته و دولت‌ها را تحت فشار قرار دهند تا تدابیر لازم را اتخاذ کنند. (۳۶)

از سوی دیگر، گروه‌های تروریست می‌توانند از فن‌آوری رایانه‌ای برای تهدید یا حمله به منابع رایانه‌ای قربانی یا هدف بهره‌گیرند. این عمل می‌تواند به شکل تهدید یا حمله بر ضد زیرساخت‌های ملی که شدیداً به شبکه‌های رایانه‌ای وابسته شده‌اند و دارای ارتباطات متقابل با این شبکه‌ها می‌باشند، تجلی یابد. زیرساخت‌هایی چون تأسیسات آب و برق، سیستم حمل و نقل عمومی، نهادهای تجاری و شرکت‌های فراملی، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی،

شبکه مترو، کارخانجات و سدها. بنابراین، تروریسم نوین، متضمن سطحی از تروریسم است که به آن تروریسم رایانه‌ای یا سایبرتروریسم^۱ گفته می‌شود. (۳۷)

سایبرتروریسم علاوه بر آنکه فضای جدیدی برای تروریست‌های جدید ایجاد می‌کند که به واسطه هزینه پائین و غیرقابل شناسایی بودن آن می‌تواند جایگزین حمایت دولتی شود و این تروریست‌های مستقل می‌توانند برای تأمین نیازهای خود از قبیل اعتبارات مالی، آموزش یا پناهگاه امن به این فضا مراجعه کنند، قادر است حیات مجازی کشور هدف را نیز تهدید یا تخریب نماید. سایبرتروریسم این اقدام را از طریق آن چیزی انجام می‌دهد که به «سلاح‌های تخریب جمعی»^۲ معروف شده است. این سلاح‌ها اعم از تکنیک‌های خردکننده جدید همچون پف‌کننده‌ها، بمب‌های منطقی، ویروس‌های جهش‌یابنده و اسب‌های تروا، این امکان را فراهم کرده‌اند که با فشار یک دکمه، خسارتی بیش از یک بمب به شبکه‌های مالی، بانکی، انرژی، مخابراتی، پزشکی و ترابری کشورهای پیشرفته همچون ایالات متحده که بر اساس فناوری رایانه‌ای سامان یافته‌اند، وارد کرد. (۳۸)

۴. اهداف

گرایش تروریسم جدید به تشدید انعکاس رسانه‌ای آثار خشونت، موجب می‌شود وسعت تخریب، میزان خسارات و تعداد قربانیان عملیات تروریستی، از اهمیت و حساسیتی دوچندان برخوردار شوند. به بیان ساده‌تر، به هر میزان آمار این مؤلفه‌ها مقدار بیشتری را نشان دهد، تروریست‌ها به اهداف خود نزدیکتر می‌شوند. این امر موجب می‌شود نقش و کارکرد اکثریت خاموش یا طرف ثالث در گونه جدید تروریسم تغییر یابد یا در واقع، متحول شود.

در گونه‌های پیشین، تروریسم مقوله‌ای منفعت‌محور و به یک معنا سیاسی بود و از این‌رو، به دنبال کسب مشروعیت در میان اکثریت جامعه و مشروعیت‌زدایی از حکومت‌ها در بین آنها بود. بنابراین، قربانیان می‌بایست گزینشی، هدفمند و سیاسی می‌بودند و در نتیجه، آمار تلفات عملیات تروریستی نیز غالباً پائین بود. تروریسم جدید، این محدودیت‌ها را ندارد و به دنبال

1 . Cyberterrorism
2 . Weapon of Mass Distribution

مشروعیت‌یابی یا کسب منفعت سیاسی در میان اکثریت جامعه یا آن چیزی که در بازی ترور، طرف سوم خوانده می‌شود، نیست.

در دنیای جدید، رویداد تروریستی می‌بایست آنقدر بزرگ باشد که در صدر اخبار همه شبکه‌های جهانی قرار گیرد و این مستلزم قربانیان انبوه و تخریب گسترده است. بنابراین، قربانیان عملیات تروریستی می‌بایست از میان همان اکثریت خاموش و به صورت «فله‌ای» انتخاب شوند. انتخاب مکان‌های عمومی برای عملیات که در آنها قربانیان کمترین امکان را برای فرار یا جان سالم به در بردن داشته باشند، مانند هواپیماهای در حال پرواز، برج‌های بلند، ایستگاه‌های مترو و مواردی از این دست، در همین چارچوب قابل توجیه است.

به همین دلیل، در آستانه قرن بیست‌ویکم، مفهوم امنیت میهنی^۱ در مطالعات تروریسم در ایالات متحده متداول و پس از حادثه یازده سپتامبر وزارت‌خانه‌ای برای آن در دولت فدرال تشکیل شد. در توضیح این مفهوم، گفته شده است که امنیت میهنی، ترکیبی است از ایمنی عمومی^۲ و امنیت ملی. به بیان دیگر، هرگاه ایمنی عمومی جامعه به منظور تحت‌الشعاع قرار دادن امنیت ملی، از سوی تروریست‌ها تهدید شود، در واقع امنیت میهنی در معرض تهدید قرار گرفته است. (۳۹)

تفاوت ایمنی و امنیت در این تعریف، به مسأله عاملیت بازمی‌گردد. به بیان بهتر، چنانچه تهدید از سوی عامل انسانی صورت نگرفته باشد و جنبه ساختاری یا تصادفی داشته باشد، آنچه موضوعیت می‌یابد، ایمنی است نه امنیت. برای مثال، چنانچه نقص فنی موجب برخورد هواپیمایی با آسمان‌خراش شود، موضوع در سطح ایمنی عمومی مطرح می‌شود، اما چنانچه عامل انسانی به عمد موجب این برخورد شده باشد، مسأله، امنیتی است. حال اگر، این عامل انسانی، بزه‌کار اجتماعی باشد، موضوع به امنیت عمومی^۳ بازمی‌گردد و چنانچه تروریست‌ها عامل آن باشند، موضوع در سطح امنیت ملی قرار می‌گیرد و به منزله تهدید امنیت میهنی است.

1 . Homeland Security

2 . Public Safety

3 . Public Security

بنابراین، تروریسم جدید با هدف قرار دادن ایمنی عمومی جامعه به دنبال تهدید امنیت میهنی آن است، در حالی که تروریسم در گونه‌های پیشین، عمدتاً در پی حمله به اهداف مربوط به امنیت ملی، همچون اهداف نظامی، شخصیت‌های سیاسی و مانند آن بود.

بر این اساس، تروریسم نوین برخلاف گونه‌های پیشین که غالباً خود را به سلاح‌های سبک و متعارف محدود می‌کردند، مستعد به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی^۱ با تخریب وسیع است. روندهای جهانی شدن که به ویژه پس از فروپاشی نظام دوقطبی و پایان جنگ سرد در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تشدید شده است، این امکان را فراهم کرده که علاوه بر دولت‌ها، گروه‌های تروریستی نیز بتوانند به این سلاح‌ها دسترسی یابند. این ویژگی به منزله تغییر جایگاه و مفهوم سلاح‌های کشتار جمعی اعم از سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی در دوره جدید نسبت به دوره جنگ سرد است.

برخی به ویژه از ارتباط تروریسم هسته‌ای^۲ با تروریسم جدید سخن گفته‌اند و نوعی ارتباط نهایی را بین این دو پیش‌بینی کرده‌اند که در این صورت، غرب با یازده سپتامبر هسته‌ای مواجه خواهد شد. به نظر محققان، این مرحله را می‌توان ابرتروریسم^۳ نام نهاد. (۴۰)

تروریسم هسته‌ای شامل حمله با سلاح‌های رادیولوژیکی و هسته‌ای است. سلاح رادیولوژیکی، نوعی وسیله انفجاری ابتدایی است که مواد رادیواکتیو را منتشر می‌سازد. ایجاد انفجار متعارف در نزدیکی انبار مواد اتمی نیز نوعی سلاح رادیولوژیکی است. اگر گروه تروریستی بتواند مقدار مناسبی از سوخت اتمی ضعیف‌شده را بخرد یا بدزد، به راحتی می‌تواند سلاح رادیولوژیکی یا بمب کثیف^۴ فراهم سازد. توان تخریب این بمب‌ها بسیار کمتر از بمب اتمی است، اما می‌تواند باعث بروز آشتگی، ترس عمومی و تلفات زیادی شوند. (۴۱)

1 . Weapon of Mass Destruction
 2 . Nuclear Terrorism
 3 . Hyper - Terrorism
 4 . dirty bomb

نتیجه‌گیری

تروریسم مفهومی است که در دنیای امروز همانند بسیاری از دیگر مفاهیم و پدیده‌ها همچون هویت، رسانه، اطلاعات، جنگ و جنبش، جهانی شده و از این پس، محدودیت‌های بین‌المللی و حدود مترتب بر آن همچون سرزمین، مرز و دولت یا قلمرو ملی را نمی‌پذیرد. به این معنا، تحول تروریسم در مرحله متأخر آن یا تروریسم نوین را می‌توان محصول در کنار هم قرارگیری مفاهیمی چون تروریسم شبکه‌ای، تروریسم پسامدرن، تروریسم انتحاری، سایبرتروریسم، تروریسم هسته‌ای و بیوتروریسم دانست و آن را به تروریسم جهانی شده یا تروریسم جهانی تعبیر نمود که می‌تواند در صورت دستیابی به نهایت ظرفیت خود، به ویژه در ربع نخست قرن بیست‌ویکم، به ابرتروریسم یا تروریسم دهشت‌بار تبدیل شود. این روند نشان می‌دهد مسأله واکنش نیز همچون مسائل تعریف و انگیزه، در دوره جهانی شدن تروریسم تحول یافته و از این رو، تبیین تحول در این مسأله می‌تواند در دستور کار پژوهش‌های بعدی در چارچوب مطالعات تروریسم قرار گیرد.

جدول: تبیین مفهومی تحول تروریسم در روابط بین‌الملل

شاخص تحول تروریسم	انگیزه	الگوی تحلیل	سازماندهی	استراتژی	تاکتیک	اهداف	سلاح	قربانیان
بین‌المللی (قدیم)	مدرن (منفعت)	ایزاری	سلسله‌مراتبی، دوپایه، سرزمینی	باج‌خواهی جمعی	آدم‌کشی، گروگانگیری، هواپیمارانی	امنیت ملی (نظامی، سیاسی)	سبک، متعارف	محدود، گزینشی، سیاسی
جهانی (جدید)	پسامدرن (هویت)	سازمانی	شبکه‌ای، تک‌پایه، غیرسرزمینی	تخریب و برانگیختن	عملیات انتحاری	امنیت میهنی (عمومی، زیرساخت‌ها)	کنش جمعی، تخریب جمعی	انبوه، فله‌ای، اکثریت خاموش

یادداشت‌ها

1. Martha Crenshaw, ed., *Terrorism in Context*, (Penn St. University Press, 1995).p77
2. Alexander Spencer, "Questioning the Concept of New Terrorism", *Peace Conflict & Development*, Issue 8, January 2006, p.3.
3. Ibid, p.5.
4. John Baylis & Steve Smith, *The Globalization of World Politics, An Introduction to International Relation*, (oxford: Oxford Up, the Second edition, 2005), p. 481.
۵. توماس جی. بدی، «تعریف تروریسم بین‌المللی: نگرش علمی»، ترجمه سیدرضا میرطاهر، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره‌های ۶ و ۵، پائیز و زمستان ۱۳۷۸، ص ۲۵۱.
۶. کامران هاشمی، «حقوق اسلامی در تقابل با تروریسم بین‌المللی»، *راهبرد*، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۳۸.
۷. همانجا، ص ۱۴۰.
۸. توماس جی. بدی، پیشین، صص ۲۵۹ و ۲۵۸.
9. Donna M.Schalgheck, *International Terrorism: An Introduction to Concepts and Actors*, (Lexington, MA: Lexington, 1986). pp. 2-9.
۱۰. مایکل لیمن و گری پاتر، «تروریسم به عنوان جرمی سازمان‌یافته»، ترجمه سیدقاسم زمانی و علیرضا طیب، در *تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفت‌مان، حقوق، گردآوری و ویرایش علیرضا طیب*، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۲) ص ۲۰۹.
11. David C. Rapoport, "The Four Wares of Modern Terrorism", in Audrey Kurth Cronin & James M. Ludes (eds.), *Attacking Terrorism, Elements of a Grand Strategy*, (Washington, D.C.: Georgetown up., 2004), pp. 46-73.
۱۲. جیمز دردریان، «گفت‌مان تروریستی: نشانه‌ها، دولت‌ها و نظام‌های خشونت سیاسی جهانی»، ترجمه وحید بزرگی، در *تروریسم تاریخ، جامعه‌شناسی، گفت‌مان، حقوق*، پیشین، ص ۸۳.
13. David C.Rapoport, "Fear and Trembling: Terrorism in Three Religious Traditions", *American Political Science Review*, Vol. 78, No.3, (1984), p659.
14. Amy Zalman, "What's So New about the New Terrorism?" available at: <http://terrorism.About.com>>
15. Matthew J.Morgan, "The Origin of the New Terrorism", *Parameters*, Vol. XXXIV, No. 1, (2004) p. 29.
16. Isabelle Duyvesteyn, "How New Is The New Terrorism"?, *Studies in Conflict & Terrorism*, Vol.27, March 2007, pp.439- 440.

17. Amy Zalman, op. cit.
18. Ibid.
19. Walter Laqueur, "Postmodern Terrorism", *Foreign Affairs*, Vol. 75, No.5, (1996), pp. 24 – 36.
20. John Baylis & Steve Smith, op.cit,p.1
۲۱. مانوئل کاستلز، *عصر اطلاعات، ج اول، ظهور جامعه شبکه‌ای*، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، (تهران: طرح نو، ۱۳۸۰)، صص ۱۸ و ۱۷.
22. John Baylis & Steve Smith, op.cit, pp. 24, 25.
۲۳. آنتونی گیدنز، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، (تهران: نشر نی، چ سوم، ۱۳۷۶)، ص ۲۳۸.
۲۴. مانوئل کاستلز، *عصر اطلاعات، ج دوم، قدرت هویت*، ترجمه حسن چاووشیان، (تهران: طرح نو، ۱۳۸۰)، ص ۳۰.
۲۵. همانجا، ص ۱۳۹.
26. Rohan Gunaratna, *Inside Al Qaeda. Global Network of Terror*, (London: Hurst, 2002), pp. 52 – 57.
۲۷. باری بوزان و اولی ویور، *مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل*، ترجمه و تلخیص رحمن قهرمان‌پور، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸)، ص ۲۲۴.
۲۸. کیت نش، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی‌شدن، سیاست، قدرت*، ترجمه محمدتقی دلفروز، (تهران: کویر، ۱۳۸۰)، ص ۱۱۱.
۲۹. مانوئل کاستلز، *قدرت هویت*، پیشین، ص ۵۴۴.
۳۰. همانجا، ص ۵۳۳.
۳۱. الکه کراهمان، *تهدیدات و بازیگران جدید در امنیت بین‌الملل*، گروه مترجمان، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷)، ص ۹۹.
32. Yariv Tsfati & Gabriel Weimann, "www. Terrorism. Com: Terror on the Internet", *Studies in Conflict and Terrorism*, Vol. 25, No.5, (2002), p. 322.
33. Steven Simon & Daniel Benjamin, "America and the New Terrorism", *Survival*, Vol.42, No.1, (9000) p. 70.
۳۴. والتر رایش، *ریشه‌های تروریسم*، ترجمه سیدحسین محمدی نجم، (تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۳۸۱)، ص ۵۵.
۳۵. لیتزلیگر، «تروریسم پسامدرن»، ترجمه سعید آقاعلیخانی، *روزنامه شرق*، شماره ۴۷۶، چهارشنبه اول خرداد ماه ۱۳۸۴، ص ۸.
۳۶. هرفرید مونکلر، *جنگ‌های نوین*، ترجمه حسن درگاهی، (تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۳۸۴)، صص ۲۴۷ و ۲۴۶.
۳۷. پیترفلمینگ و مایکل استول، *سایبر تروریسم: پندارها و واقعیت‌ها در تروریسم*، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۲)، ص ۱۳۳.

۳۸. کمیسیون امنیت ملی آمریکا، *استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱*، ترجمه جلال دهمشگی، بابک فرهنگ‌ی و ابوالقاسم راه‌چمنی، (تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۰)، ص ۱۰۸

39. <<http://www.bitpipe.com/Homeland-Security.html>>

40. Sebestyen L.V. Gorka, "Hyper – Terrorism: the Globalization of Terror", available at: <[http://www.censa.Nte/Publication/Gorka/Gorka Argo & 2003.pdf](http://www.censa.Nte/Publication/Gorka/Gorka%20Argo%202003.pdf)>

41. Jessica Stern, "Getting and Using the Weapons", in Russell D.Howard & Reid L.Slayer (eds), *Terrorism and Counterterrorism – Understanding the New Security Environment*, (Guilford: McGraw-Hill, 2003), pp. 158-160.

